



**میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران**

**«پنل نوزدهم»**

**آینده‌اندیشی درباره دوره‌های دکتری آموزش عالی**

**با تأکید بر پژوهش‌های نظام آموزش عالی**

**پاییز ۱۳۹۶**

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران

پنل نوزدهم

آینده‌اندیشی درباره دوره‌های دکتری آموزش عالی

با تأکید بر پژوهش‌های نظام آموزش عالی

پاییز ۱۳۹۶

## به نام خدا

## شناسه گزارش

شماره گزارش: پنل ۱۹، آبان ۹۶

### اعضای پنل:

دکتر نسرین نورشاهی (ریاست موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی)، دکتر رضا منیعی (معاون پژوهشی موسسه)، دکتر عباس بازرگان (عضو هیات علمی دانشگاه تهران)، دکتر داود حسینی نسب (عضو هیات علمی دانشگاه تبریز)، دکتر امیر هوشنگ مهریار (موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)، دکتر محمدرضا آهنگچیان (عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، دکتر بهروز مه‌رام (عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد)، عاطفه ساعدی (دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی)، پدیده پری دری (دانشجوی دکتری مسایل اجتماعی ایران)، دکتر مقصود فراستخواه (دبیر علمی میز)، حسین سمیعی (کارشناس مسئول میز).

### عنوان:

آینده‌اندیشی درباره دوره‌های دکتری آموزش عالی  
با تأکید بر پژوهش‌های نظام آموزش عالی

دبیر علمی میز آینده پژوهی: مقصود فراستخواه

تدوین و کارشناس مسئول میز آینده پژوهی: حسین

سمیعی

تحریر مباحثات: طاهره بشیری



فهرست

صفحه	عنوان
۲	مقدمه: درباره پنل و روش کار
۲-۴-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲	نسرین نورشاهی: عضو هیات علمی و رئیس موسسه
۳-۶-۹-۱۸-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴	دکتر عباس بازرگان، استاد دانشگاه تهران
۵-۲۳	دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه
۶-۱۷-۲۰-۲۱-۲۳	دکتر مقصود فراستخواه: دبیر علمی میز
۸-۹-۱۶-۲۲	دکتر داود حسینی نسب: عضو هیات علمی دانشگاه تبریز
۱۰-۲۳	دکتر بهروز مهران: عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد
۱۳-۲۱	دکتر محمد رضا آهنچیان: عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد
۱۵-۲۱-۲۳	دکتر امیر هوشنگ مهریار: عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
۱۷-۱۹	عاطفه ساعدی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی

## مقدمه: درباره پنل و روش کار

پنل بررسی با حضور خبره ها و متخصصان موضوع با عنوان «بررسی وضع موجود و مطلوب و آینده‌اندیشی درباره وضعیت دوره‌های دکتری آموزش عالی با تأکید بر پژوهش‌های نظام آموزش» ساعت ۱۰ الی ۱۳ روز دوشنبه ۲۲ آبان ۹۶ در محل موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این پنل هر یک از اعضای پنل دیدگاه‌های خود را درباره موضوع فوق بیان کردند.



در ادامه، خلاصه‌ای از دیدگاه‌های هر یک از اعضا ارائه می‌شود:

### مباحث پنل

#### نسرین نورشاهی: عضو هیات علمی و رئیس موسسه



با سلام خدمت شما دوستان عزیز، خیر مقدم عرض می‌کنم و از حضور اساتید گرامی کمال تشکر را دارم. موضوع این پنل ما دغدغه پژوهش در آموزش عالی است. استاد بزرگم جناب آقای دکتر بازرگان بعنوان یکی از افرادی که پایه گذار دوران دکتری آموزش عالی بوده‌اند، والبته مؤسسه ما هم بعنوان اولین حوزه یا نهاد تخصصی حوزه آموزش عالی می‌توان گفت پرچمدار این دوره بوده است. دغدغه‌ها برای ما بسیار قابل تأمل و تفکر می‌باشد. ایشان تذکری به ما داشتند که امروز سرنوشت پژوهش در حوزه آموزش عالی چگونه است؟ ایشان یکی از اعضای هیئت تحریریه فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی هستند و در آن مجله ما مقالاتی را دریافت می‌کنیم که قاعدتاً باید حاصل پژوهش در حوزه آموزش عالی باشد. تلاش دانشجویان دکتری حوزه آموزش عالی، تحصیلات در حوزه آموزش عالی هم محوریت و مورد توجه قرار می‌گیرد، کیفیت این مقالات در مجموع پژوهش در حوزه آموزش عالی دغدغه‌ای بود، که جناب استاد را بر این داشت که این ایده را به مؤسسه بدهند و جلسه‌ای را با عزیزانی که دانشجوی دکتری، تحصیلات تکمیلی حوزه آموزش عالی هستند ترتیب دادند و موضوع پژوهش در آموزش عالی را از ابعاد کمی و کیفی و بعضاً که حتی

خود استاد وارد بحث خواهند شد، به چالش و گفتگو میکشیم. همانطور که میدانید میز آینده پژوهی ما با مدیریت جناب آقای دکتر فراستخواه، و با ابتکار ایشان، معمولاً موضوعات چالشی ها و آسیب و بحث های حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی در حوزه آموزش عالی را روی میز می گذارد و به بحث و گفتگو می گذارد، پنل هایی که ما در مؤسسه داریم معمولاً محوریتش این موضوعات می باشد. و ما امروز را به این موضوعی که استاد پیشنهاد دادند اختصاص دادیم. باز هم تکرار می کنم پژوهش در حوزه آموزش عالی چالش ها و در کنار آن بستر و زمینه دوره ی دکتری که پژوهش در آموزش عالی را نیز در دل خود شکل داده است بررسی می کنیم. بنده تشکر می کنم و جلسه را به شما می سپارم تا از بیانات شما استفاده مکفی را ببریم.

✚ طرح بحث

### دکتر عباس بازرگان، استاد دانشگاه تهران



بنام خدا- ضمن تشکر از دعوتی که مؤسسه بعمل آورده است و تشکر از دوستانی که دعوت شده و تشریف آوردند. طرح مسأله به این قرار می باشد که کیفیت آموزش عالی دغدغه اصلی جامعه علمی کشور می باشد. و ما به عنوان اعضای هیئت عملی این دغدغه را داریم. سپس سؤالی که مطرح می شود این است که چکار انجام دهیم تا این کیفیت بهبود پیدا کند. بهبود کیفیت مستلزم کار پژوهش است، تا برنامه ریزی کنیم مسائل و مشکلات چه چیزی است و چکار باید کرد. خوشبختانه دوره دکتری آموزش عالی کشور گسترش پیدا کرده است همین زمان که بنده خدمت شما حضور پیدا کرده ام اطلاع ندارم چه تعداد از دانشگاهها دوران دکتری را در دانشگاههای دولتی و چه در دانشگاههای غیر دولتی و آزاد دارند. تعداد دانشگاههایی که در سطح کشور دانشجوی دکترا می پذیرند چه تعداد است و تعداد این دانشجویان چه اندازه است؟ اگر ما پاسخ این سؤالات را بدانیم یک قدم به جلو گام برداشته ایم. چرا؟ علت اینکه فرض بر این است که دوره های دکتری آموزش عالی در نهایت کار پژوهشی انجام می دهند که در موضوع آن مسائل نظام آموزش عالی می باشد.

همه ما می دانیم آموزش عالی بخصوص ، تحصیلات تکمیلی در وضعیتی هست که با کمال تأسف در حاشیه میدان انقلاب، صدای فروختن پایان نامه یا دکتری بگوش می رسد. بنده هر گاه روزنامه مطالعه می کنم دقت می کنم که چه مسائلی در آموزش عالی مطرح است. بعضی از دوستان هیئت علمی دانشگاه تبریز مانند دکتر پور محمدی اعلام کردند که لازم است دانشگاه و مسائل کشور را مورد توجه قرار بدهد و علی الخصوص در تحصیلات تکمیلی به آن برسد. در صورتی که ما می بینیم ادغام آموزش پزشکی در نظام

پزشکی مطرح شده است. مهمتر از آن، آیین نامه ارتقا است که بصورت مصیبت عظیمی در آمده است و در هر جا که شما صحبت می کنید این را می بینید. سیاستکاری با دانشگاه ممنوع و در قسمت چگونگی گسترش وسیله تحصیلات تکمیلی اعضای هیئت علمی چه میزان با خلوص نیت حرف خودش را بیان می کند. در پشت دروازه های دانشگاه هم همینطور می باشد. و شما هم توجه دارید. عرض بنده و ضرورت اینکه موارد بالا را عنوان کردم این است که ما در آموزش عالی و بطور کلی در دانشگاههای علوم تربیتی تا چه اندازه مسائل مربوط به آموزش عالی را جدی می گیریم و آن را می خواهیم تا دانشجویان در رساله ها دنبال کنند تا نتیجه ای حاصل بشود و وزارتخانه از این بهره بگیرد.

بحث بنده این است، دوره دکتری آموزش عالی چه کمکی به شناسایی مسائل آموزش عالی کرده است و تا چه اندازه این همه دوره ای که ایجاد شده است باید با نتیجه گیری کمک رسانی رسالات به این موضوع باشد.

سؤال دوم این است مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی چطور می خواهد خود را در آیینیه ببیند؟ چکار باید انجام داد؟ سپس باید فکری بیندیشید تا در آینده پژوهش در آموزش عالی، تبدیل به یک کار جدی بشود تا تحلیل سیاست آموزش عالی را بتواند انجام بدهد. آموزش عالی در این زمان احتیاج به کمک دارد از این نظر که مسائلی را بشناسد هدایت کنند و نتیجتاً سیاست هایی که قرار داده می شود مورد بازبینی قرار بگیرد تا مشخص شود در جهت مثبت پیش رفته یا مشکل داشته است.

در همین راستا، سؤال سومی مطرح می کنم آیا می توانیم علاقه مندان به پژوهش در آموزش عالی را دور هم جمع کنیم و اینها را بهم وصل کنیم. در دنیایی که امروزه فناوری اطلاعات بسیار کمک دهنده می باشد، یک اتصالی به اینها بدهیم و اینچنین مؤسسه ای که ۵ سال از عمر آن می گذرد را بعنوان بستری که به این کار کمک می کند، هدایتمندتر مواجهه بشوم. بنابراین بحث اصلی این جامعه این است. شأن نزولی این جلسه از این بابت می باشد. با تشکر

#### دکتر نسرین نورشاهی

بنده می خواهم یک سؤال اضافه کنم به سؤالاتی که آقای دکتر بازرگان یک به یک بیان کردند. فرض بر این باشد که مؤسسه یا مقالاتی که در حوزه آموزش عالی انجام شده رخ داده است و خروجی هایش در آمده است. بنده در اینجا مثالهایی را عرض می کنم.

در ابتدایی که بنده مسئولیت گرفتم در چهار سال گذشته دفتر مرکزی هیئت امنای یک سفارشی را به مؤسسه دادند و آنها از ما خواستند که قانون هیئت امنای نیاز به بازنگری دارد و مؤسسه به عنوان اطاق فکر وزارت علوم، پروژه ای تعریف بکند و پیشنهاد خود را برای بازنگری هیئت امنای ما بدهد. همکاران بنده تیم تشکیل دادند و این پروژه انجام شد، که شش ماه زمان برد و با رعایت کلیه روش های علمی این پکیج دانشی تهیه شده. توصیه های دانشی در آخر این پکیج قید شد و به حوزه ستاد تقدیم شد.

مثال بعد: آیین نامه ارتقا بود که مجدد در وزارت علوم مطرح شد که آیین نامه ارتقا دارای مشکل است و اعضای هیئت علمی دانشگاهها با این مورد مسأله دارند و نمی توانند خود را در مورد ارتقا و ست کردن با این آیین نامه تطبیق بدهند. انواع و اقسام این مشکلات مطرح شد در مؤسسه کار گروهی شکل شد، دوستان بروی این پروژه متمرکز شدند گزارش تخصصی تعریف کردند، پنل گذاشته انواع و اقسام خروجی های دانشی و بسته های دانشی تهیه شد و در قالب سیاست های توصیه ای به وزارت علوم ارائه شد.

مثال سوم، بحث سطح بندی است: خاطرتان هست بحث رتبه بندی در وزارت علوم مطرح شد در یکی از این شوراها بنده پیشنهاد کردم قبل از اینکه وارد این پروژه بشویم، باید یک پنل تخصصی در مؤسسه ما داشته باشید. مجریان محترمی که



از طرف وزارت علوم سفارش کار گرفته بودند، مورد دعوت قرار گرفتند، بسته دانش تهیه شد، در آن پنل بحث های علمی و آکادمیک مطرح شد. راهنمایی هایی به تیم مجری صورت گرفت. خود تیم مجری هم اذعان داشتند که بسیار کمک شد، حتی خروجی هایی که از این پنل بوجود آمد مورد استقبال قرار گرفت.

سؤال بنده اینجاست با تمام این اوصاف ما ایده یا چالش یا سؤال را شناسایی می کنیم یا سفارش میگیریم و یا مورد تشخیص قرار می دهیم. یک مثال در مورد سیاست بومی گزینی عرض می کنم که توسط یکی از اعضای هیئت علمی ما کار شد و به شکل خود جوش چالشی بود که بسیاری از دانشگاهها با آن روبرو هستند. دانشگاه های رده اول ما اکنون، به لحاظ ورودی دارای کیفیت بسیار پایینی هستند. دانشگاههای مرز نشین ما، به لحاظ مسائل امنیتی و سیاسی احساس خطر می کنند زیرا کلیت قومی آنجا شکل گرفته است. عضو هیئت علمی ما روی این موضوع متمرکز شد، گزارش تخصصی تهیه کرد ما خروجی این پنل را ۳ بار برای وزیر علوم و معاونی محترم در حوزه های مختلف ارسال کردیم. در نهایت من برای شورای عالی انقلاب فرهنگی و مراکز پژوهش های مجلس نیز این گزارش را ارسال کردم. سؤالی که اکنون در اینجا مطرح می شود این است که آقای دکتر بازرگان ما چگونه می توانیم بسته های سیاستی و توصیه های سیاستی و خروجی های پژوهش های اصلی، در حد توان خودمان را حفظ نکنیم. به عبارتی چرا این حلقه و ارتباط بین سیاستگذار و خروجی توصیه سیاستی ما برقرار نمی شود. مشکل ما اینجاست. شاید ما در حوزه های آموزش عالی بحد وفور پژوهش کم نداشته باشیم شاید بسته های دانشی تولید شده کم نباشند. آیا ما رده و نوک این اتهام را بخودمان برگردانیم، بعنوان محقق در حوزه آموزش عالی، یا آیا به حوزه های سیاستگذاران بچرخانیم، که شما هستید که حرف ها را پذیرا نمی باشید و یا به آن مکانیزم یا نهادی که همه ما را در برگرفته است برگردانیم. واقعاً سؤال بنده این است و می خواهم دوستان پاسخگوی این سؤال باشند. ما چگونه فرض را البته با فرض اینکه خروجی های ما خروجی های مفیدی هست. چگونه این خروجی ها در دل سیاست گذاری و برنامه ریزی و بدنه آموزش عالی بنشینند و ما اثر آن را ببینیم.

#### دکتر رضا منیعی: معاون پژوهشی موسسه

بنام خدا - تشکر از شما عزیزان که دعوت مؤسسه را پذیرفتید. سؤالی که استاد بازرگان فرمودند مبنی بر اینکه چه تعداد دانشجو وجود دارد و چه تعداد مؤسسه آموزش عالی وجود دارد که در دوره دکتری دانشجو می پذیرند در این خصوص چند آماری خدمت شما عرض می کنم. هم اکنون صد و بیست و چهار هزار دانشجو در رشته علوم تربیتی در همه مقاطع تحصیلی در کل کشور مشغول تحصیل هستند که از این تعداد ۵۰ هزار نفر در دانشگاه پیام نور، ۳۹ هزار نفر در دانشگاه آزاد اسلامی و ۲۱ هزار نفر در دانشگاه فرهنگیان و کمتر از ۱۲ هزار نفر در وزارت علوم به تحصیل اشتغال دارند. این آمار سال ۹۵-۹۶ می باشد. دانشجویانی که در حوزه دکتری تخصصی در حوزه علوم تربیتی به تحصیل مشغولند ۳۰۱۷ نفر می باشند.

همچنین از این تعداد ۲۵ هزار نفر کارشناسی ارشد ۹۵ هزار کارشناسی و هزار نفر در دوره کاردانی مشغول می باشند. اگر بصورت خاص تر، رشته آموزش عالی را ملاحظه فرمایید هم اکنون ۷۴۹ نفر در دوره کارشناسی ارشد و دکتری آموزش عالی مشغول تحصیل می باشند. که از این تعداد بیشترین مربوط به دانشگاه آزاد می باشد. یعنی ۲۹۲ نفر. و بعد از آن وزارت علوم می باشد با تعداد ۲۷۲ نفر. از این تعداد ۷۴۹ نفر، ۴۹۲ نفر، در مقطع دکتری تخصصی می باشند که ۲۹۲ نفر در دانشگاه آزاد، و ۲۰۰ نفر در وزارت علوم مشغول هستند. در مورد دانشگاههای که دوره دکتری آموزش عالی دارند





ده دانشگاه وجود دارد. دانشگاه ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه اصفهان، دانشگاه پیام نور، تهران، خوارزمی، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، کردستان، مازندران، دکتری آموزش عالی را دارا می باشند. که البته گرایش های مخصوص خود را دارند.

جمع دانشجویان دکتری آموزش عالی در کل ۴۹۲ نفر است. که بیشترین آن مربوط به دانشگاه آزاد با ۲۹۲ نفر می باشد. همچنین تعداد دانشجویان دکتری آموزش عالی در دانشگاه ها عبارتند از: دانشگاه ارومیه ۱۴ نفر، دانشگاه اصفهان ۱۶ نفر، دانشگاه تهران ۲۰ نفر، دانشگاه خوارزمی ۲۷ نفر، دانشگاه شهید بهشتی ۳۷ نفر، دانشگاه علامه ۵۴ نفر، دانشگاه کردستان ۱۴ نفر، دانشگاه مازندران ۱۸ نفر. این آمار می تواند کمک کند به بحثی که امروز مطرح شده است.

### دکتر عباس بازرگان:

تصور بنده از این تصویر بسیار روشن است زیرا نشان می دهد که در حقیقت وضعیت موجود چه می باشد. یعنی از ۴۹۲ دانشجوی دکتری آموزش عالی، نزدیک به ۵۰٪ در دانشگاه آزاد اسلامی حضور دارند و شما می توانید تصور کنید که چه چیزی یاد می گیرند و چگونه کار انجام می دهند. در مورد دانشگاه پیام نور که یک هشتم دانشجویان آموزش عالی را در خود جای داده است. مثلاً دانشگاه فردوسی مشهد اصلاً دانشجوی دکتری ندارد. بنابراین وضعیت موجود روشن است. من خطابم به مؤسسه است، آیا مؤسسه می تواند با ایجاد شبکه پژوهش کاری کند که این ۴۹۲ نفر که حتماً دانشنامه دکتریشان صادر میشود چه بخواهند و چه نخواهند. بنابراین ما چکار باید انجام بدهیم تا اینها با سطحی از کیفیت مورد انتظار دانش آموخته بشوند که بعد هم بتوانند کمکی بکنند. بهرحال اینها منابع این کشور را مورد استفاده قرار می دهند و عمر خودشان را می گذرانند. پس چه خوب هست کمکی شود تا اینها به آن درجه مورد انتظار برسند یا حداقل در آن جهت کوشش بشود. من فکر می کنم سؤال بسیار روشن می باشد.

### دکتر مقصود فراستخواه: دبیر علمی میز



با سلام خدمت شما عزیزان- بنده یک نکته را در ادامه بحث آقای دکتر بازرگان و خانم دکتر نورشاهی بیان می کنم. ما در هفته قبل در اینجا یک پنلی با عنوان مسؤولیت اجتماعی دانشگاه ها برگزار کردیم. تحقیقی در اینجا در حال صورت

گرفتن است، برای این تحقیق پنبلی از اعضای NGO ها و کسانی که در حوزه اجتماعی خدمات ارائه می دهند دعوت صورت گرفت. بطور مثال: موسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک، انجمن حمایت از حقوق کودکان، کودکان کار و بنیاد کار آفرینی زنان و جوانان سرپرست خانوار، انجمن برنا، شبکه یاری کودکان کار و خیابان، مرکز حمایت از معلولین ضایعات نخاعی ایران و ....

درصد مشارکت مدعویتی که دعوت کرده بودیم بالاتر از ۱۰۰ درصد بود، یعنی با وجود ظرفیت ۲۷ نفری ما، ۳۱ نفر حضور پیدا کردند. اما چرا در این جلسه که در حضور شما هستیم زیر ۱۰ درصد مشارکت کرده اند. بنده درک دانش آموزی خودم را در یک مکان، در دو هفته پشت سر هم، عرض می کنم، من نتیجه می گیریم کنشگران علمی در این سرزمین آهسته آهسته حس خود اثربخشی خویش را از دست می دهند و این تهدید بزرگ ملی است. باید بررسی بشود که چه عوامل سیاستی و مدیرتی و ساختاری دست به دست هم داده اند و ممکن است حداقل بخش قابل توجهی از نخبگان علمی را به این نتیجه برسانند که از کوشش برای اصلاح علمی کشور مأیوس شوند و بگویند هرچه اهتمام می کنیم سیاستها و ساختارها اصلاح نمی شود و سرانجام نتیجه بگیرند که هیچ کاری برای مصالح عمومی کشور نمی توانند بکنند و فقط دنبال فعالیت های معمول آموزشی و پژوهشی خود بروند.

در صورت افت حس خودکارآمدی نخبگان علمی و مهاجرت آنها به بیرون و درون، دیگر چه کسانی باید پنجره سیاست و دریچه های سیاست گذاری را باز کنند متأسفانه سیستم های سیاست گذاری جذب دانش نمی کند. دانش در ایران یک کالای زینتی و پرستیژی است. باید فکری هم به حال «درماندگی آموخته» بکنیم. زیرا این جلسه به ما می گوید افرادی که در این پنل شرکت نکردند، علتش این است که شاید در فکرشان خطور پیدا کرده که تا به حال این همه جلسات اینجا و آنجا شرکت کردیم و حرف زدیم مگر به کجا رسید؟! برای این پنل شخصا اهتمام داشتیم تا تمام دانشگاهها که دوری دکتری داشتند دعوت شوند تا در مورد پژوهش در حوزه آموزش عالی صحبت کنیم. دوستان هم زحمت کشیدند دعوتنامه فرستادند ولی فقط بعضی از افراد تشریف آوردند و عده ای دیگر خیر. سالهاست که در این جامعه محققان کشور، دانشمندان در زیست جهان این سرزمین تلاش می کنند ولی سیستم ها متصلب اند و مقاومت می کند. سیستم به نظر بنده گشوده به جهان اجتماعی نیست زیرا احساس نیازی در سیستم دیده نمی شود تا براساس دانش کار بکند. شاید در آنجا انسانهای خوبی قرار داشته باشند اما کل سیستم و ساختار متأسفانه چندان اعتنایی به نتایج و تحقیقات ندارد. به نظر بنده ما نباید مأیوس شد. باید همچنان به کنش علمی ادامه داد. در جوامعی که ساختارها به قدر کافی توسعه پیدا نکرده اند عاملیت مهم است.

## دکتر داود حسینی نسب: عضو هیات علمی دانشگاه تبریز



بنام خدا- سلام خدمت حضار محترم- بنده عذر می خواهم از نسل دایناسورها هستم و درحال انقراض، جوانان باید بیشتر صحبت کنند. بنده حسینی نسب از کرمان هستم و ۵ سال در تبریز فعالیت می کنم. بنده به این دلیل در این جلسه شرکت کردم چون مورد اول دیدن اسم خانم دکتر نورشاهی و دلیل دوم، وابستگی بود که به اینجا داشتیم، در بدو تأسیس از زمان دکتر سیاری بنده در اینجا حضور داشتم و فلسفه ایجاد اینجا بسیار منطقی بود اینجا ساخته شد چون اطلاق پژوهش وزارت آموزش عالی، که وزارتخانه هر نیازی دارد آن نیاز را به اینجا ارجاع بدهد و بصورت منطقی و علمی بررسی شود و بعد وزارتخانه اجرا کند.

مواردی که ذکر شد کاملاً درست بود، اما چه کسی اینها را انجام داده است، ما در این جلسه اگر می خواستید که مؤثر واقع بشود باید معاون برنامه ریزی و پارلمانی را دعوت می کردید، یعنی یکی از آقایانی که در مناصب اجرایی هستند، در این جا حضور داشته باشند تا نظرات و مشارکت را شنونده باشند. چون اگر یک مسئول اینجا نباشد هرچقدر که کار کنید بی فایده خواهد بود. این تعداد دانشجوی دکتری در کدام مملکت وجود دارد. ۷۴۹ نفر فقط در آموزش عالی مشغول هستند. حال اگر در رشته علوم انسانی آمار بدهند، متوجه خواهیم شد که آمار درست چقدر هست. این افراد در آینده می خواهند به چه کاری مشغول بشوند و اصلاً با چه سیستم و شرایطی وارد شده اند.

بنده اطلاعات زیادی در مورد دانشگاه آزاد دارم، دوره دکتری دارد اما یک عضو ندارند. براساس شاخص هایی که تعیین شده است، مجریان این شاخصها صد درصد اشتباه اجرا کرده اند. و نظام مؤسسات از دست آنها ناراضی می باشند. زیرا رتبه بندی ها اصلاً عادلانه نیست. صرف داشتن ساختمان و چند نفر اعضای هیئت علمی که امکان دارد، ۳ سال بعد از کار برکنار بشوند، بعنوان یک مؤسسه آموزش عالی محسوب نمی شود. شاخص ها بعبارتی درست ارزیابی نشده اند. در کشورهای مترقی دنیا روی دو نهاد، اصرار وافر دارند. (۱) آموزش و پرورش که نسلی را بار بیاورد و به دانشگاه تحویل بدهد و (۲) دانشگاه هم این نسل را به جامعه تحویل بدهد. این دو نهاد در کشور ما محلی از ۵۵:۱۱ دارند.

بنظر بنده جذب دانشجوی دکتری بسیار بالا بوده است. و بعد می توان علاقه مندان به حوزه پژوهش آموزش عالی را بهم وصل کرد. دکتر بازرگان یک ایدئولوژیست بسیار عالی هستند. زمانی این ایده ها ارزشمند هستند که به عمل در بیایند. ما

باید با صداقت و میل قلبی هرچه که در توان داریم انجام بدهیم. اما واقعیت این است که راه بجایی نخواهیم برد. بعلمت اینکه این مؤسسه زمانی می تواند کار خود را انجام بدهد که یک جایی آن را اجرا کند. گروهی NGO ها خود طالب بودند که از شما اطلاعات و داده بگیرند و در جامعه اجرا کنند، اما در مؤسسه دولتی مثل مؤسسه پژوهش اینگونه نیست و در جلسه حضور پیدا نمی کنند.

مؤسسه پژوهش باید یک مؤسسه واقعی باشد ولی در صورتی می توان به این واقعیت دست پیدا کرد که یک مجری داشته باشد. یعنی ما اگر موضوعی تعیین کردیم و داده گرفتیم و دارای شاخصی شدیم این شاخص ها به عمل در بیایند، در غیر اینصورت نتایج خوبی بدست نخواهیم آورد و بی فایده خواهد بود. گاهی امکان دارد که در وزارتخانه فردی دلسوز وجود داشته باشد که دستوری بدهد و کاری را انجام بدهد ولی در نظام کشورهای مرفقی دنیا تمام مجموعه یک لینک محسوب می شوند که در راستای یک هدف حرکت می کنند. در صورتی که در کشور ما هر کس برای خودش فعالیت می کند. هر کسی در این کشور اگر نفوذی داشته باشد امکان دارد کاری انجام بدهد و الا نه. با تشکر از شما عزیزان

### دکتر عباس بازرگان

آقای دکتر عامری که مدیر کل ارزیابی بودند، جلسه ای از مدیران دفاتر هدایت ارزیابی در مشهد تشکیل دارند تا افرادی که در رابطه با ارزیابی و نظارت آموزش عالی استان مربوط به خودشان فعالیتی انجام داده بودند، نتیجه بدست بیاورید. دکتر مهران، در آنجا صحبت های آقای دکتر حسینی نسب را با سند و مدارک و ارقام در مورد مؤسسات مربوط به استان خراسان داده ها را برحسب عدد و ارقام مطرح کردند. که بسیار مورد استقبال بنده قرار گرفت. با تمام ارزیابی هایی که شد و بنده عرض می کنم ارزیابی حلقه آخرش اقدام برای بهبودی است. و اگر براساس نتایج ارزیابی اقدام برای بهبودی انجام نشود، عملاً کار کاملاً ایتر است. همچنان دکتر حسینی نسب بخشی از آن صحبتها در همین راستا است. مثلاً پژوهش می کنیم ولی اقدام بکاری نکنیم بی فایده است. آیا شما در رابطه به کاری که انجام می دهید و داده اید هیچ گونه احساسی مبنی بر اقدام برای بهبودی انجام گرفته یا خیر. یعنی ارزیابی هایی که شده است، در حیطه کاری اقدام شده یا خیر بهر حال باید به این سؤال پاسخ بدهیم.

### دکتر داود حسینی نسب

در سال ۱۳۷۴ بنده برای یک فرصت مطالعاتی به استرالیا سفر کردم، یکی از ملاکهای ارزیابی در آموزش عالی، ارزیابی مایکل اسکریون می باشد. ایشان در آن دانشگاه حضور داشتند و من بسیار مشتاق دیدار ایشان بودم. تصور بنده از جلسه با واقعیت آن متفاوت بود. بنده اسکریون را انسانی بسیار شیک و مرتب تصور کرده بودم، اما او را در جلسه معارفه با لباسی بسیار معمولی و ظاهر ساده زیارت کردم. ایشان کلیدهایی را به لباس خود آویزان کرده بودند. وقتی از او علت را جویا شدم، بی خوابی شبانه را عنوان کردند که نمی تواند در منزل استراحت کند، پس به دانشگاه می آیند و کلیدهای ورود به اتاق کار- دانشگاه و کتابخانه استفاده می شود. ایشان از ساعت ۲ شب تا ۹ صبح در دانشگاه حضور پیدا می کرد و مشغول کار می شود. در صورتی که در کشور ما ساعت ۶ تمام درهای دانشگاه ها بسته می شود و حتی آقای وزیر هم اجازه ورود پیدا نمی کند. ارزیابی در کشورها مانند شمشیر دو لبه می باشد. از یک طرف گردن یک نفر زده می شود و از طرف دیگر گردن کس دیگری را می زنند. ارزیابی باید نتیجه داشته باشد. آقای اسکریون نظام افراد را ارزیابی می کردند و اشکالات و



ایرادات را بیان می کردند و ۶ ماه یا یک سال فرصت می دادند تا اشکالات رفع می شود و البته استاد تازه کار با تمام اشتیاق خودش اشکالات کار را برطرف می کرد، اما در جوامع ما اینگونه نیست. شما اگر بررسی بفرمایید: ارزیاب های دانشگاه ها چه کسانی می باشند یا چه رشته ای دارند مثلاً بررسی کنید دانشگاه مشهد ارزیابش چه کسی می باشد؟ ارزیابی را بعهده کسی باید بگذارند که دانش این کار را داشته باشد. با تشکر

**دکتر بهروز مهram: عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد**



بنام خدا - بنده می خواهم ۳ محوری که دکتر بازرگان بعنوان دغدغه های اصلی این نشست مطرح کردند مواردی که آقای دکتر فراستخواه، خانم دکتر نورشاهی و دکتر حسینی نسب اضافه کردند به اینها نزدیک بشوم.

تصور می کنم یکی از مشکلاتی که ما در افت کیفی پژوهش در قلمرو آموزش عالی بطور خاص و در حیطه قلمرو دانش زمینه های موضوعی داریم، عدم شکل گیری هویت علمی و حرفه ای در مخاطبین یادگیری و به طور خاص در فارغ التحصیلان دکتری ماست.

موارد متعددی پیش آمده است که دانشجوی دکتری به من مراجعه نموده و درخواست راهنمایی رساله دکتری را می نمایند. بنده سؤال می کنم که موضوع شما چیست؟ دانشجوی می گوید هنوز فکر نکرده ام. وقتی می گویم برو و فکر بکن؛ بعد از مدتی که باز می گردد و موضوعی را مانند آموزش الکترونیک مطرح می کند؛ چنانچه در جایگاه استاد راهنما به هر علت با این موضوع موافق نباشم، پاسخ می دهد که پس روی ضمن خدمت کار می کند. یعنی آن دانشجو نمی داند که در چه قلمرو تخصصی می خواهد کار بکند. در بسیاری از زمانها نیز مشاهده می شود که در مقطع دکتری؛ استاد راهنما به دانشجوی دوره دکتری جهت می دهد که شما در این حیطه کار کن تا منم راهنمای شما باشم.

ما باید انتظار داشته باشیم که نه در سطح دکتری بلکه حتی از سطح کارشناسی ارشد؛ دانشجوی ما دایره ای ترسیم بکند و بگوید من دانشجوی مدیریت آموزشی یا دانشجوی رشته مطالعات برنامه درسی و یا دانشجوی مدیریت آموزش عالی هستم. این دایره تخصصی رشته من می باشد و در این قلمرو، این زیر دایره ها به عنوان قلمرو موضوعی در رشته من وجود دارد. سپس باید پاسخ دهند که به کدام یک از این زیر قلمروها علاقه مند می باشند. هنگامی که علاقه اشان را پیدا کردند؛ آن زیر دایره را بیرون کشیده و به عنوان دایره ای دیگر ترسیم نموده و باز درون آن، زیر دایره های



مرحله دوم را ترسیم نموده و مکرر این کار را انجام بدهد تا به یک قلمرو نسبتاً اختصاصی برسد. او باید مطالعات زیادی را انجام دهد تا شکاف اصلی را در آن قلمرو پیدا کند و در آن زمان است که ما می‌توانیم بگوییم این فرد متخصص می‌باشد.

ما اکنون در کشور خودمان متخصص بسیار کم داریم اما افراد با مدرک PHD در ایران فراوانند. این یکی از مشکلات ما می‌باشد. بنابراین من در حیطه A مطالعه می‌کنم، زیرا تقاضایی به من ارائه شده است و یک پول کلان برایش پیش بینی شده است. روز دیگر در حیطه ای دیگر که در فیلد کاملاً متفاوت است. ممکن است هر دو این موارد در برنامه درسی بگنجد، اما برنامه درسی به قدری گسترده می‌باشد که بسیار سخیف است که من در یک کنفرانس بین‌المللی حضور پیدا کنم و بگویم من تخصصم برنامه درسی است. اما این برنامه درسی، پیشوند و یا پسوندی به صورت اختصاصی نداشته باشد. این عین نکته ای بود که دکتر مهر محمدی حدود ده سال قبل عنوان می‌کرد. نکته دومی که وجود دارد این است که اگر ما بخواهیم هویت حرفه ای و علمی را در دانشجوی دکتری نه در دانشجوی تحصیلات تکمیلی ایجاد بکنیم؛ نقطه آغازین ما باید از کجا باشد و چگونه باید آغاز کنیم.

این مسأله ای است که ما در سطوح بنیادین رشته بررسی کنیم؛ یعنی دانشجوی در Base کارشناسی با قلمرو رشته مواجهه شود و در کارشناسی ارشد تلاش نماییم تا او به طور تخصصی تری با موضوعات مواجه شده و خود را بیابد. سپس ما در پذیرش دانشجوی دوره دکتری باید بگوییم پایان نامه ارشد شما چه بود و یا مقالاتی که کار کرده اید؛ چه هست؟ در دکتری چه کاری می‌خواهید انجام بدهید و اگر احساس کردیم پیوند وثیقی میان کارهای قبلی و جهت گیری بعدی وجود ندارد، باید به عنوان امتیازی منفی برای متقاضی در نظر بگیریم. ما در دانشگاه های متفاوت کشور نگاهمان این است که دانشجوی دکتری ما محکوم است به اینکه با یکی از استادان همان دانشگاه در همان گروه پایان نامه بگیرد. این یک پیام و یک معنا دارد و آن این است که دانشجوی ما اجازه توسعه دانش در مرزهایی که تاکنون در نوردیده شده است را ندارد. چرا دانشجوی ما این اجازه را ندارد که استاد راهنمای خود را از دانشگاههایی غیر از دانشگاه خود انتخاب کند؟ یا چرا نباید اجازه داشته باشد استاد راهنمای خودش را از یک دانشگاه خارج از کشور انتخاب بکند. اینها مسائل آیین نامه ای است که ما انتظار داریم در قالب مصوبات و جهت دهی های وزارت علوم و در قالب بازنگری ها و ابلاغیه ها و آیین نامه ها بتوان چنین شرایطی را مهیا نمود.

اما امروز چه اتفاقی رخ داد که آیین نامه مواجهه با تقلب علمی در روزهای آخر وزارت دکتر فرهادی امضا و ابلاغ شد که اگر دانشجو چنین تخلفی کرد اخراج می‌شود یا اگر استاد چنین تخلفی کرد مرتبه علمی اش کاهش داده می‌شود و...

چون تقریباً این موضوع به یک گفتمان تبدیل شد. یعنی رسانه ها، اساتید و کمیسیون های مجلس و همه و همه باید امروز تلاش کنیم از نفوذی که جناب دکتر بازرگان در قلمرو نظارت و ارزیابی وزارت علوم دارد بعنوان یک فرصت استفاده بکنیم؛ از ارتباط و تعامل که آقای دکتر مهریار یا آقای دکتر حسینی نسب و... دارند استفاده کنیم و این استفاده باید در مسیر گفتمان سازی، هم جهت بشود. گفتمان در مسیر جایگاه موسسه پژوهش و برنامه ریزی به گونه ای که این موسسه به عنوان قلب تصمیم سازی تلقی بشود. خانم دکتر نورشاهی باید شبیه یک معاون وزیر در تمام جلسه های معاونین حضور داشته باشد. این مسأله باید دنبال بشود و بعد آنجاست که ما این تضمین ها را داشته باشیم که اگر دورهم نشستیم صرفاً حرف هایمان در درد دل خلاصه نمی‌شود.



نکته بعدی که خدمت شما عرض می‌کنم این نکته است (چون بحث جلسه ضرورت پژوهش در نظام آموزش عالی است) ما در بحث تخصیص بودجه مشکل داریم. استاد تمام وقتی می‌خواهد براساس یک دغدغه جدی مطالعه انجام بدهد، چقدر پول دارد؟ یا باید وارد طرح شماره یک بشود یعنی نشدنی - یا در قالب طرح شماره دو، با ۳ یا ۴ میلیون تومان کار خود را انجام بدهد. طرح های دانشجویی شماره ۳ هم بماند. اما اگر من بخواهم قراردادی را ببندم با صد میلیون. باید بدنبال اولویت هایی که دانشجوی دوره کارشناسی من که الان فارغ التحصیل شده و بعنوان کارشناس پژوهش یک سازمان آموزشی در حال انجام فعالیت است؛ الویت هایی را که او تعیین می کند من انجام بدهم، بنابراین وقتی ما می گوئیم سهم پژوهش از تولید ناخالص مثلاً ۰/۵ درصد به ۳ درصد برسد، اینها به کجا می روند. این پولی که تخصیص به پژوهش می دهند و می گویند که باید طرح های پژوهشی اش توسط هیئت علمی دانشگاه ها انجام شود؛ این پول توسط یک سفارش دهنده و الویت گذار بیرون از دانشگاه تعیین می شود. فردی که تربیت شده زیر دست دکتر بازرگان است؛ صلاحیت بیشتری پیدا می کند که بیاید و بگوید این پول کلان نفت، اینجا این الویت آموزشی ماست، اما آقای دکتر بازرگان اگر بخواهد از گرت و اعتبار خودش، و اعتبار دانشگاهی خودش استفاده کند در ۳ میلیون تومان محدود است. اگر بنا باشد این اتفاق ها به گونه ای بیافتد که ما پژوهش های قلمرو آموزش عالی خودمان را به سمت و سوی کارهای جدی هدایت بکنیم، اینها یک مقداری از دست وزارت علوم هم خارج است، حال اینکه چه ریزی می شود با وزیر انجام داد که وزیر در هیئت دولت مطرح کند، چگونه می شود این را به کمیسیون آموزش مجلس کشاند، اینها باید گفتمان سازی باشد. این گفتمان سازی می تواند در قالب فعالیتهای برنامه ریزی این مؤسسه اتفاق بیفتد و حتی قراردادهایی بسته بشود تا چند حرکت از دانشگاههای مختلف ایران سربزند و بتوانند این موضوع را بطور جدی دنبال بکنند. نکته آخری که خدمت شما عرض می‌کنم این است که ما در خود وزرات علوم مشکلات جدی داریم. در دانشگاه شهید بهشتی نشستی داشتیم، معاون پژوهشی علمی و کاربردی آمد و گفت ما افتخار می‌کنیم اولین دوره های PHD مهارتی را راه اندازی کردیم. بسیار متعجب شدم که این PHD مهارتی را چه کسی مجوز می‌دهد؟ وزارت علوم مجوز را می‌دهد نه یک جای بیرونی، بنابراین اگر ما بخواهیم یک مسیر درستی را دنبال کنیم طبعاً باید در درون خود این مجموعه ای که این مجوزها را صادر می‌کند؛ مقاومت کنیم و ایجاد منشأ بکنیم. اینها بنظر من در جایی که مؤسسه پژوهش برنامه ریزی داشته باشد می‌تواند انتظارات تعریف شده ای قلمداد بشود. با سپاس





بنام خدا- بنده سلام عرض می کنم خدمت اساتید محترم، تشکر می کنم که این فرصت ایجاد شد تا در خدمت شما باشم. بنده نظریه های خودم را بروی تبعات بحث مطرح می کنم، یک قسمت از مباحث در مورد بحث آسیب شناسی است که آقای دکتر نیز فرمودند، تضمین کیفیت در آموزش عالی بطور کلان و بصورت خرد در بحث دوره های مخصوص آموزش عالی که فرمودند ۷۰۰ نفر در آن دوره ها مشغول تحصیل هستند. یک سری از بحث ها بحث های مبنی بر زیر ساخت ها است که مشخصاً می توان این سؤال را مطرح کنیم که دانشگاه در این کشور چکاره است و اگر تعطیل بشود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و آیا چیزی بعنوان بحران یا مسأله برای کشور اتفاق می افتد؟ واقعاً وقتی بعنوان یک شهروند نگاه می کنیم دانشگاه یک محل برای پول خرج کردن و البته سرکار گذاشتن فرزندان جامعه ایران است که چند سال در آنجا مشغول می شوند. و عده ای که بسیار صریح صحبت کنند و مناسباتی را پشت پرده دارند، همانجا اشتغال پیدا کنند و یک عده که فرصتی برای رفتن به خارج از ایران بعنوان کسی که صلاحیت های اولیه را دارد در دانشگاه مشغول می باشد. بعبارتی هدفش جلب اعتماد برای دانشگاه های خارجی می باشد، یعنی می تواند در داخل در یک رشته مطالعه کند و نماینده ما در همان رشته در دانشگاه های خارج از ایران برای ادامه تحصیل باشد.

اکثریت فارغ التحصیلان هم در جامعه سرگردان می شوند و احساس ناکامی را در سطح کشور مستحکم تر می کنند که شاید بزرگترین خسارت در همین جا باشد. آن تصویری که ما داریم این است که بجز چند رشته به فراخور اینکه دولت چه زمانی تشخیص بدهد کدام رشته برایش مهم تر می باشد که اگر نباشند یا وجود نداشته باشند برای دولت مشکل ایجاد می کنند، مثلاً دولت اعلام می کند که به چه تعداد پزشک یا استاد هسته ای فیزیک نیاز دارد، پس برحسب این نیازها دانشگاه مهم است و کمک می کند تا ما به اهداف خودمان برسیم. از این مأموریت های مقطعی که بگذریم دانشگاه به نظر من از نگاه بالاسری شاید دردسر باشد تا اینکه بتواند کمکی به ما برای حل مشکلات بکند. آن نگاهی که در مراجع سیاستگذار عالی کشور شاید دیده بشود. می توان گفت یک دوره ای دانشگاه ها بمدت چند سال تعطیل شد و چه اتفاقاتی افتاد و هم چنان اگر دانشگاه ها تعطیل بشوند چه اتفاقاتی خواهد افتاد. ضمن اینکه سالهای قبل شاید در دوره جوش و خروشی بودیم که در حال پایه گذاری تحول بسر می بردیم تا پیش برویم، دانشگاه ها تعطیل شد، امروز که تقریباً احساس می کنیم به اندازه کافی نیروی ماهر داریم و تقریباً به یک ثبات نسبی رسیدیم قاعداً پاسخ این سؤال می تواند مثبت باشد که آیا دانشگاه ها سربار جامعه نیستند؟ من فکر می کنم پیرو فرمایشات استاد محترم جناب آقای دکتر فراستخواه این



روایت های کلان مغلوب شده اند. بعبارتی روایت کلان مبنی بر استاد دوران دبستان که سؤال می شد علم بهتر است یا ثروت؟ این جمله مغلوب رقابت های خرد شده است. این به اصطلاح واقعیت هایی که ما پیرامون خودمان می بینیم این از طریق ساده ترین راه هایی که جناب آقای دکتر بازرگان اشاره فرمودند و همه ما به فراخور تجربه های خودمان در حوزه فعالیتیمان آگاه هستیم این است که راه حل های ساده تری وجود دارد و مهم این است که زودتر به هدفمان برسیم بنابراین چرا را دورتر را انتخاب می کنیم، راه اصلی برای رسیدن ثروت ممکن است مدرک باشد، اگر چه مدرک هم لازم نیست یک مدرک اصیل باشد. ما اکنون بروی کیفیت صحبت می کنیم، مهم این است که ما موضعی را که در آن خواهیم نشست را توجیح کنیم. که مثلاً در پستی که می گیرید پشت سر شما حرفی نباشد - مدرک داشتن آیا صرف سواد داشتن است؟ در بحث مراجع ثروت و قدرت بنگاه های تولید علم هستند که اگر دانشگاه را بنگاه تولید علم در نظر بگیریم آنها به کدام سو می روند و چه سمت و سویی را برای دانشگاه دنبال می کنند؟

اگر به عنوان مبانی صحبت کنیم به سمت پژوهش هایی که کاربرد فوری پیدا کند و در یک جایی به ظهور برسد یا پژوهش هایی هست که می تواند در مرزهای دانش حرکت بکند آن مراجع قدرت هستند که تعیین کننده هستند، عمدتاً باز هم تأکید و برداشت بنده این است که اینها تعریف شده برحسب اقتضاء و انتظار دولت می باشد. بعد از مبانی زیر ساختها که به نظر قاعدتاً اگر درست نشود دشوار خواهد بود و البته درست شدنش نیز زمان بر می باشد به بحث ساختار می رسیم. اساتید بهتر می دانند که ما ساختار آموزش عالی پیچیده ای داریم. پیچیده یعنی اینکه مراجع تصمیم گیرنده و سیاست گذار در واقع روابطی با همدیگر دارند که کشف آن روابط و نفوذ به آن شبکه در روابط کار دشواری خواهد بود. یعنی شما از مراجع بالاتر از مجلس شورای اسلامی در نظر بگیرید تا شورای انقلاب فرهنگی تا عطف و سایر مراجعی که داخل ساختار دولتی یا خارج ساختار دولتی اثر گذار خواهد بود. یک نمونه بحث بومی سازی مطرح نمودند و یک نمونه هم که ما چهار سال یا ۵ سال به شدت با آن درگیر بحث کنکور دوره دکتری است که هر سال به یک رنگ و شکل در آمده است و در آخر تصمیم گیرنده اش مشخص نشده است. مستحضر هستید که در سال ۹۵ خود کمیسیون عالی مجلس وارد شد و بهر حال براساس تجربه سال ۹۵-۹۶ را مجدد برگرداند، درحالی که ما در سال ۹۵ چون ۳۰٪ سازمان سنجش امتحان ورودی داشت و ۷۰٪ دانشگاه که یک تجربه بسیار خوبی داشتیم، یعنی به بحث غیر متمرکز بودن بر می گشتیم. همه تصمیمات سال ۹۵ ما با یک تصمیم مجلس شورای اسلامی بعبارتی نبود شد. و سختی هایی که سال ۹۵ دانشگاه ها تحمل کردند در باز تنظیم خودشان برای نظام جدید پذیرش دانشجوی دکتری مجلس و شورا دخالت می کنند و وزارت علوم و سازمان سنجش هم گاهی گیج کننده عمل می کنند. مانند بخش نامه هایی که در طی روزهای متوالی به دستمان می رسد و گاهی بسیار گیج کننده است. قاعدتاً تعدد مراجع تصمیم گیر یکی از مشکلات بزرگ ما می باشد.

بحث عملکرد هم بسیار مهم می باشد (مثلاً بعضی از دانشگاه بدون داشتن هیئت علمی دانشجویی می پذیرند. عملکرد ما در پذیرش دانشجوی دکتری بسیار مهم است، به عبارتی تربیت دانشجوی دکتری هم نیازمند به اخذ مجوز هایی دارد. بحث تصحیح عملکرد و بازگرداندن عملکرد به ریل خودش ظاهری است و الا ما تا پایه ها را درست نکنیم اتفاقی نخواهد افتاد ولی حداثت با یک بخشنامه بگوییم اگر آقایان عضو هیئت علمی ندارید دانشجویان دکتری تان را انتقال بدهید به دانشگاه شهید بهشتی و تعطیل کنید. این ساده ترین حالت است که ما اصلاً برویش وقت نگذاشته ایم. به عبارتی بیشترین بحثی که مطرح شد در ساختار بود. امیدوارم با استفاده از موارد فوق بتوانیم راهکارهای مناسب ارائه بدهیم.



## دکتر امیر هوشنگ مهربار: عضو هیات علمی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی



در ایران به گونه ای است که وقتی در یک جلسه در مورد رشته خودمان جمع می شویم و ارتباط رشته خودمان را با سیستم ارزیابی می کنیم از بحث اصلی عقب می مانیم و به نظر من این دو را از هم جدا کنیم بهتر است. به این معنی که ما نمی توانیم هر چیزی که مربوط به آموزش عالی هست را عوض کنیم. اما وقتی بتوانیم خودمان را عوض کنیم مؤثر واقع خواهد شد. در واقع به حرفی که آقای دکتر فراستخواه زد بر می گردیم. مثل اساتیدی که صاحب نظر هستند و به اینجا دعوت شدند و چند نفر شرکت کردند. بطور مثال از اعضای تحریریه که دعوت شده بودند دو نفر بیشتر حضور پیدا نکردند که خود این یک مسأله را به ما نشان می دهد که علاقه به آن صورت وجود ندارد و شاید این بی علافگی به عنوانی که دکتر فراستخواه بیان کرد می رسد. اگر به آموزش عالی بر میگردیم، مسأله عمده این است که آموزش عالی از عالی بودن در آمده است و بسمت سوی بدی پیش می رود و وقتی زمانی که دانشگاه تعطیل بودند یک انتظار جمعیتی هم صورت گرفته بود طبعاً تقاضا برای آموزش عالی زیاد شد و دانشگاه آزاد را زیاد کردیم تا به این تقاضا پاسخ بدهد. حال ساختار نسبی جمعیت در حال تغییر می باشد یعنی دانشجوی وارد شده به گروه لیسانس روز به روز کمتر می شود و دانشگاه آزاد هم به علت سرمایه گذاری زیادی که انجام داده مجبور است که جذب دانشجو کنند پس به جذب دانشجوی فوق لیسانس و دکتری می پردازند تا هم هزینه های خود را تأمین کنند و البته دانشجویان این تلقی را دارند که با پرداخت مبلغی می توانند درجه دکتری را کسب کنند و از مزایای قانونی آن استفاده بکنند. اگر برگردیم به اینکه ما بطور کلی تصمیم گیری هایمان براساس تحقیق و روش علمی نیست و بر اساس موارد دیگری اتفاق می افتد بطور مثال برای وزارت علوم از این ۲۶ نفر وزیر را انتخاب می کنند. در نظام موارد نیز این مسأله وجود دارد. به عبارتی وزارت علوم یک طرف و مدعی دیگری بنام شورای انقلاب فرهنگی نیز در یک سو ایستاده است و هنوز هم تلاش دارند تا دانشگاه ها را اسلامی بکنند و هنوز در این چهل سال هم نکرده اند و یا به چه صورتی اسلامی خواهند کرد.

اگر ما بتوانیم در کنار این دغدغه هایی که وجود دارد و مشکلاتی که وجود دارد به کار خودمان بپردازیم، یعنی بنده به عنوان یک استاد چکار می توانم انجام بدهم تا دو دانشجوی خوب را تربیت بکنم و... اما ب فکر این نباشم که کل مملکت را عوض بکنم این طور مؤثر تر خواهیم بود، تا اینکه تمام مملکت را بخواهیم تغییر بدهم و سیستم را عوض کنم این در اختیار

من نیست. در این صورت شوق و ذوق و اعتلای افراد به منصفه ظهور می رسد. مانند افرادی که در جامعه قبل به نمایندگی نهادهای مردمی در جلسه حضور پیدا کردند و افراد دولتی که حضور بهم نرساندند. اگر جامعه ای با وزیر یا معاونین برخوردار داشته باشد، اکثر مدعوین شرکت می کنند، اما اگر دعوت از سوی یک حوره علمی باشد امکان دارد علاوه بر مدعوین اعضای خود مؤسسه نیز شرکت نکنند، اما اگر شوق و ذوقی که دوستان ما در سطوح مردم نهاد دارند را داشته باشیم و کارهایی که به ما محول شده را درست انجام بدهیم مؤثر و مفید خواهد بود. عبارتی تحقیقی وجود داشته باشد و نتایج عالی بدست بیاوریم تا ببینیم چه اتفاقی خواهد افتاد. نه اینکه بخاطر این مورد که کسی به تحقیق ارزش نمی دهد تحقیق کردن را کنار بگذاریم. در زمینه آموزش عالی چه کمبودهایی وجود دارد بنابراین دلایل ما نیاز به تحقیق داریم در یک زمینه خاص و قلمرو را بگذاریم مفیدتر خواهد بود برای افرادی که این جلسه را ترتیب داده اند.

### دکتر داود حسینی نسب

بنده عرض می کنم ۳ سؤالی را که آقای دکتر بازرگان مطرح کردند طرح ریزی بکنیم تا شاید به یک جمع بندی برسیم. دوره دکتری در آموزش عالی را بحد کافی اطلاعات دادند. و من فکر می کنم بیش از حد نیاز هم هست، ۱۲۴ نفر در رشته های علوم تربیتی، ۷۹ نفر در آموزش عالی وجود دارد بنابراین نیازی به گسترش و توسعه نیست. به نظر بنده گسترش به حد کافی می باشد و باید از این روند جلوگیری کنیم.

سؤال این است کسانی که آموزش عالی را تشکیل دادند، آیا تخصص مربوطه را دارند. چند نفر دکتری آموزش عالی در سطح کشور هستند. یعنی به اسم استاد وجود دارد. ۷۴۹ نفر دانشجوی دکتری داریم. این مورد را باید بررسی بفرمایید. سؤال بعدی آقای دکتر بازرگان این بود که دوره های دکتری چه کمکی به آموزش عالی نموده یا می کنند؟ در این مورد بحث کنیم. و آیا می توان علاقه مندان به پژوهش آموزش عالی را بهم وصل کرد؟ برای این هم می شود یک چاره ای اندیشید. بنده با خود فکر می کنم که دوره دکتری آموزش عالی چه کمکی به کیفیت آموزش عالی کرده است؟

باید به این سؤالات پاسخ داده بشود و من فکر می کنم باید به ژورنال ها و نشریه هایی که در این زمینه کار می کنند مرتبط شد. مثل نامه سنجش - و ارزشیابی و اندازه گیری در آموزش عالی را می توان در این زمینه کمک گرفت و استفاده نمود. آقای دکتر مهرام در دانشگاههای معتبر دنیا مشاهده کرده اید که روی محدوده خاصی کار می کنند. مثلاً دانشگاه X می گوید من در این زمینه فقط کار تحقیق انجام می دهم، یعنی خارج از آن حوزه کاری انجام نمی دهند. در صورتی که دانشجوی دکتری ما، عنوان تز را از من می خواهد، در حالی که خودش کاتالیزور و دروس تخصصی خوانده و اطلاعات کافی را کسب کرده است و از مواردی که خوانده است باید دریافت کند. آیا در اینجا پایان نامه هایی که نوشته می شود را می توان به سمت و سویی سوق داد یا خیر؟

دوره هایی که وجود دارد چه تأثیری داشته اند، اگر تأثیری داشتند چه بهتر، اما اگر نداشتند چکار انجام دهیم که تأثیر داشته باشند. اگر منظور رشته های آموزش عالی باشد باید مؤسساتی وجود داشته باشد تا افراد را با توجه به حوزه تخصصی در رشته تحصیلی خودشان جذب و معرفی بکنند.



## دکتر مقصود فراستخواه

بنده بعنوان یک یادگیرنده کوچک در این جلسه از شما عزیزان بسیار آموختم. امیدوارم این آموخته ها مفید واقع بشود. یک دومینویی در کشور برای بی کیفیتی راه افتاده است، پس باید ما نیز بکوشیم ضد دومینوی بزرگی برای کیفیت راه اندازی کنیم. به نظر بنده گام اول این است که نهادی را راه اندازی بکنیم به صورت علمی و حرفه ای توسط دانشگاهیان برجسته ودانشمندان وکاملا غیر دولتی هرچند در همکاری با دولت که هر ساله بر مبنای داوری های کاملا دقیق بی طرفانه جایزه بهترین رساله دکتری آموزش عالی تعیین بکند. این می تواند مقدمه ای باشد برای جایزه بهترین رساله ها در همه گروه ها و رشته ها.

کار دوم این است توسط استادان برجسته و حرفه ای ها ودانشگاهیان تراز اول در همه جای ایران، نهاد ملی اعتبار بخشی دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی از طریق همکاری دانشگاه ودولت و ذی نفعان اجتماعی تأسیس شود وعضو شبکه بین المللی نهادهای تضمین کیفیت در آموزش عالی ( INQAAHE ) بشود و امر ارزیابی درونی وبیرونی در سطوح مؤسسات وبرنامه ها را در ایران سامان بدهد وشبکه ای ملی از دانشگاه ها وگروه های با کیفیت اعتبارسنجی شده را راه بیندازد تا هر مؤسسه یا برنامه آموزش عالی به این نتیجه برسد که باید در خود کیفیت ایجاد بکند وعضو این لیگ کیفیت وشبکه کیفیت بشود وگرنه فاقد اعتبار می ماند. گروههای که ارزیابی درونی وبیرونی می شوند وارد شبکه بشوند و شبکه گروه های ارزیابی و بیرونی درونی شده واعتبارسنجی شده توسعه پیدا بکند و هر مؤسسه یا گروهی که در این شبکه کیفیت نباشد در جامعه شناخته بشود و نتواند دانشجو جذب بکند و جامعه برحسب انتخاب احسن، عملا دکان آن مؤسسه یا گروه فاقد معیارهای لازم وکیفیت وتناسب لازم را از رونق بیندازد.

## عاطفه ساعدی: دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی



در تکمیل فرمایشات جناب آقای دکتر فراستخواه، عرض می کنم که مطابق اصول تربیتی گفته می شود "بچه ها می بینند، یاد می گیرند" و نیازی به تذکر یا یادآوری مداوم به آنها نیست. لذا کودکان رفتار پدر و مادر خود را دیده و سپس انجام می دهد. بنده این مثال را زدم تا عرض کنم در حیطه پژوهش در آموزش عالی این رخوت، سستی و خواب آلودگی که بین اساتید وجود دارد بعضا توسط پذیرندگان الگو که همان دانشجویان هستند مشاهده و یادگرفته می شود.

برخی زمینه های روان شناختی و فرهنگی باعث شده، تا بعضی از اساتید ما احساسی شبیه به تعبیری که دکتر فراستخواه فرمودند بدست آوردند. نکته دیگر در باب مواد درسی در حوزه رشته آموزش عالی است. من به عنوان یکی از دانشجویان رشته آموزش عالی عقیده دارم که دانشجویان این رشته، بالعینه مابین مباحث تئوریک اسیر شده اند. روزها، هفته ها و

ترمها از واحدها و کلاس های درس جدا نمی شویم. دانشجویان رشته آموزش عالی در بستر خود که همان دانشگاه است رفت و آمد دارند، بدون آنکه با این سیستم عجیب شوند. معتقدم دانشجویان این حوزه می بایست با حضور در بخش ها و واحدهای دانشگاه تحت قالب دوره های کارورزی و دستیاری، دروس نظری خود را به جنبه های عملی نزدیک کنند. بی شک تجربه همراهی با تیم های کارشناسی و کارمندی در معاونت ها، واحدها و زیر مجموعه های دانشگاه آنها را به مباحث آموزش عالی بیش از پیش علاقمند و تعلق خاطر آنها را به پژوهش و کاربرد آن تقویت می کند. آنها می بایست مشاهده گران روند عملکرد آموزش عالی باشند که متأسفانه در حال حاضر نیستند. علاوه بر محیط دانشگاه، همکاری و حضور چند روزه در وزارت علوم تحقیقات و فن آوری، موسسه پژوهش و برنامه ریزی، و دیگر سازمان های وابسته به سازمان عتف، کمک می کند تا از حوزه نظر به عمل و از حوزه آموزش به پژوهش نزدیک شویم.

### دکتر عباس بازرگان

بنده به صحبت آقای دکتر مهریار باز می گردم ما باید به کار خودمان بپردازیم و منتظر مؤثر بودن نباشیم. کسانی که اینجا هستند علاقمندان به آموزش عالی می باشند. این علاقه مندی ها و چیزی که خودم را به آن وصل می کنم چه چیزی است؟ از بنده بپرسند، می گویم اینکه ببینم آموزش عالی از کیفیت ممکن برخوردار است. سپس چه قدم هایی می توانم بردارم و به طرفش بروم. منتظر مؤثر بودن هم نباشم. سومین مطلب اینکه در چه حوزه هایی ضرورت و اولویت وجود دارد که ما از آن شروع کنیم. بنده خودم بعنوان عضو کوچکی که اینجا نشسته ام، عرض می کنم که آقای دکتر فراستخواه به چند مورد اشاره کردند و مانند جایزه دکتر و موارد دیگر، اما اجازه بدهید مسأله دیگری در مقیاس بالاتری بیان کنم.

تحصیلات تکمیلی رشته آموزش عالی آنچنان که باید و شاید نیست. چرا نیست، چون در ده دانشگاه ۴۹۲ دانشجوی دکتری داریم، که مقاله دکتری نوشته باشند؟ نمی دانیم. بنده به صحبت های خانم ساعدی می رسم، که اجازه ی حضور در آموزش عالی و مشاهده به دانشجوی مدیریت آموزش عالی داده نمی شود.

تصور من بنده این است که اگر هدف این جامعه این باشد تا برای کیفیت تحصیلات تکمیلی در رشته ی آموزش عالی کوشش کند، فقط باید کار مربوط به خود را انجام بدهم و اگر به نتیجه رسید کاری که محول شد را انجام بدهیم، حال چطور باید اینکار را انجام داد؟ اول باید سیستم را ببینیم، این سیستم یک درون داد دارد، یک فرآیند و برون داد دارد، یک برون داد نهایی و یک پیامد به همراه دارد. بنده از پیامد شروع می کنم، یک فوق لیسانس آموزش عالی باید چکاره بشود. دکتری آموزش عالی باید چکاری انجام بدهد. اگر دکتری آموزش عالی قرار است بیکار شود. جواب روشن است، اما اگر قرار است کسی بشود و برنامه ریزی و ارزیابی و خدمات حرفه ای در دانشگاهها کمک کند، چه وظایفی از این مورد انتظار است. اگر به این سؤال پاسخ دهیم به درونداد برسیم که چه دانشجویی را می خواهیم بگیریم، هر کسی را به دکتر راه ندهیم، فرآیند پذیرش را مشخص کنیم، حال اگر پذیرش دانشجو اتفاق افتاد به سراغ برنامه ی درسی برویم که برنامه درسی چگونه و در چه جایی باشد. بعد از آن به سراغ هیأت علمی برویم، یعنی به سمت ارزیابی برنامه های آموزش عالی در هر یک از دانشگاهها برویم. عبارتی مؤسسه منحصر از فردا نقش مدیر را باز می کند. یعنی با توجه به پندی که تشکیل شد ضرورت ارزیابی درونی رشته را در طی ۶ ماه انجام بدهیم. مؤسسه باید یک تیم یاری دهنده را بسیج کند که به هر یک در دانشگاهها کمک یا حتی سفر کند که ارزیابی درونی اتفاق بیافتد. دکتر فراستخواه خودشان در این زمینه استاد هستند



و شاخصها و مقالات بسیاری نوشته‌اند ارزیابی درونی را باید محکم ثبت کنیم و مسئولین ده دانشگاه را دعوت کنیم که حتماً حضور بهم برسانند. که در جلسه حضور داشته باشند. تا ما می‌توانیم بکار خودمان پردازیم.

بنده ۳ اولویت اصلی که دکتر مهیار اشاره کردند را خدمت شما اشاره می‌کنم. از آبان امسال تا آبان سال بعد شما باید ارزیابی درونی انجام بدهید. از کشورهای دیگر دعوت کنیم تا بیایند و ارزیابی برونی انجام بدهند. و بعد بسراغ اعتبار سنجی برویم. دانشگاه آزاد آیا نسبت به ما تعهدی دارند؟ با تشکر

**دکتر نسرين نورشاهی :**

تعهدی ندارند، اما از لحاظ حرفه‌ای و ساختاری بسیاری از پنل‌ها را دنبال می‌کنند و می‌توان با آنها طرح موضوع کرد.

**عاطفه ساعدی:**

بنده سرفصلهای ۳ دانشگاه در رشته‌ی مدیریت آموزش عالی را از بچه‌هایی که هم دوره‌ی ما بوده‌اند گرفتم: دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه علامه. سرفصل‌های مربوط به واحدهایی که می‌گذارندیم با یکدیگر متفاوت بوده در صورتی که سیستم متمرکز است.

**دکتر نسرين نورشاهی :**

تنوع بد نیست و ما استقبال می‌کنیم، بقول شما وقتی هدف و محتوی اصلی پوشش داده شود آن مهم است.

**عاطفه ساعدی:**

به هر حال خروجی‌ها و توانایی‌های متفاوت خواسته شده است.

**دکتر نسرين نورشاهی :**

بنده در مورد ورودی‌های خودمان علی‌رغم جایگاهی که در حال حاضر دارم اگر این حرف را بزنم شاید همکارانم نپسندند، بنده معتقدم دوره‌ی ماه هم منصرف شده است. یعنی ما بچه‌هایی را گرفتیم که تناسب با محتوی رشته ندارند، حرفی برای جذب یک نیرو دستیار بودن در پروژه‌های حوزه‌ی آموزش عالی بوده است ولی هیچ کدام از آنها نمی‌توانند دستپاری بکنند و در حوزه‌ی آموزش عالی نمی‌توانند وارد بشوند، اینها خودشان شاغل هستند و اولویتهای دیگری دارند در حالی که ما فرضمان بر این بود حداقل مؤسسه‌ی ما بعنوان یک مؤسسه علمی - کاربردی به لحاظ اینکه با کاربرد و عمل در ارتباط هستیم فرض کردیم دانشجویانی که در حوزه‌ی آموزش عالی دستپار پژوهش هستند در آموزش عالی وارد بشوند و ما مسائل و آسیب‌های روی میز آموزش عالی درگیر بشوند. متأسفانه این در عمل اتفاق نیافتاده است. و نکته‌ای که شما می‌فرمائید بنده کاملاً با آن همراه هستم که خواندن یک سری تئوری و ارتباط برقرار نکردن با دامنه‌ی عمل باعث می‌شود تا هویتی ایجاد نشود. در صورتی که اگر با دامنه‌ی عمل ارتباط برقرار کنند، هویت ایجاد می‌شود.





### دکتر مقصود فراستخواه :

اگر مؤسسه ای دولتی مکلف بشود برای الزام دوره‌ی دکتری آموزشی آموزش عالی به ارزیابی درونی، بیرونی و منطقه‌ای، ممکن است کار جنبه بوروکراتیک پیدا بکند و آن ارزیابی یک کار اداری می‌شود و نتیجه نمی‌دهد. همانطور که جناب دکتر بازرگان استاد ارجمند در کتب خویش استدلال کرده اند در ایران روشهای رویکردهای انتقادی لازم است. بجای توسل به مؤسسات دولتی، از اول یک مرجع معتبر علمی ایجاد بکنیم، یعنی یک گروه مرجع ایجاد بشود، یک کمیته اعتبارسنجی برنامه‌ی دکتری آموزش عالی یا برنامه‌ی تحصیلات تکمیلی آموزش عالی راستا بوجود بیاید. شورا، بود یا هیأت یا کمیته بوجود بیاید و تمام اساتید برجسته‌ی دانشگاهها در این کمیته حضور داشته باشند. حتی از استخدام کنندگان، صنعت‌های بزرگ هم دعوت به عمل بیاوریم و حتی چند نفر از وزارت علوم نیز دعوت کنیم، حتی از شورای عالی انقلاب فرهنگی دعوت کنیم و هیأتی در مؤسسه مسئول دبیرخانه بشود. مؤسسه دبیرخانه‌ی آن کمیته بشود و آن کمیته می‌تواند خودش را با شورای عالی نظارت ارتباط بدهد و احکامش را وزیر صادر بکند. در این کمیته افرادی باشد که صاحب نظرند و تحقیقات بزرگی در این زمینه انجام داده اند و بعد دولت و کسب و کار و دانشگاهها نمایندگانی در این کمیته داشته باشند خبره ای از سازمان سنجش هم عضو بشود. اینها چارچوب عمل را به دانشگاهها ابلاغ کنند و از طرف وزارتخانه اعلام شود که مسیر اعتبارسنجی و برنامه آموزش عالی این است (ارزیابی بیرونی و درونی). و در یک بازه‌ی زمانی عمل کنند. بازه‌ی زمانی چهار یا پنج ساله تعریف شود که ارزیابی درونی و بیرونی انجام شود. و بعد بیابند در سطح ملی فعالیت کنند که دبیرخانه‌ی این کار مؤسسه بشود. دبیرخانه حمایت‌های اجرایی و حمایت‌های دبیرخانه‌ی آن کمیته که از اساتید و برجستگان خواهد بود. مثل سایر کمیته‌ها حمایت کند. بنده فرض این است تمام صحبت‌های مفیدی که عرض شد به جایی ختم می‌شود که تصویب بشود و در وزارتخانه بجایی برسد که کاری هم بشود که بوروکراتیک بشود. با تشکر

### دکتر نسرین نورشاهی :

مشاهده کردیم در بعضی از نهادها سوال پیش می‌آید که چرا انجمن‌ها را در جلسات شرکت نمی‌دهید و یا فقط دولت دخالت می‌کند و از مسیر اصلی منحرف می‌شویم. بنده عرض می‌کنم ما به عنوان یک نهاد حرفه‌ای پیشقدم بشویم و بگوئیم برای رشته‌ی آموزش عالی به شکل خاص، می‌خواهیم این کار را انجام بدهیم و یک الگو بشویم، از حیث حرفه‌ای خودمان دفاع بکنیم و این را به شورای نظارت ببریم و طرح موضوع کنیم نیازی هم به حمایت آنها نداریم. از بابت حمایت معنوی که در صورت جلسه‌ای بیاید و مطرح شود مدنظرم نیست، مشکلی ندارد. اما اگر فقط به آن بچسبیم دانشگاهها جبهه می‌گیرند که این همان مؤسسه بازوی وزارت علوم است، در حالیکه ما باید به عنوان یک نهاد حرفه‌ای دست به دست هم بدهیم و در مورد کیفیت آموزش عالی کارکنیم. اول باید با ارزیابی درونی و بعد از آن ارزیابی بیرونی انجام بشود دبیرخانه‌اش را شکل می‌دهیم، اساتید را خودمان معرفی می‌کنیم و همه جمع می‌شویم و اینکار را بصورت خودجوش عبارتی فرهنگ ارزیابی را صورت می‌دهیم تا همه بتوانند حضور پیدا کنند. عبارتی یک برگزار کننده دوره‌ی دکتری آموزش عالی باید احساس نیاز پیدا کند تا بیاید و به ما بپیوندند نه به لحاظ اینکه مثلاً دکتر شریعتی معاون آموزشی وزارتخانه این را گفته است، نه به لحاظ اینکه شورای ارزیابی وزارتخانه این را گفته است، به لحاظ اینکه بخواهد از حیثیت خودش دفاع بکند. بیاید بگوید من دانشگاه X هستم و اگر دکتری آموزش عالی را گذاشتم به این اعتبار هستم. به نظر شما آیا می‌توان این کار را انجام داد. این ترکیبی است از ایده‌ی دکتر بازرگان و ملاحظات دکتر فراستخواه.



### دکتر عباس بازرگان :

با توجه به اینکه صحبت از انجمنها می‌باشد باید گفت آیا انجمن آموزش عالی در مقامی هست که حضور پیدا کند و اعلام حضور بکند، یعنی برای یک مورد هم که شده آیا این انجمن می‌تواند یا خیر؟ در حقیقت انجمن پیش قراول بشود، از طریق این انجمن دعوت از این ده دانشگاه بعمل بیاید و انجمن محکم و جدی (پشتوانه‌ی وزارتخانه را داراست) وارد عمل بشود. یعنی نمایندگان ۱۰ رتبه‌ی دانشگاهی را بپذیرد و هرکس حضور پیدا نکرد، نامه بزند.

### دکتر امیر هوشنگ مهریار :

بنظر بنده این یک پیشنهاد بسیار خوبی است که نیاز به یک حکم یا دستور، یا مأموریت هم می‌تواند داشته باشد ما باید ابتکار عمل را بدست بگیریم و انجمن را هدایت بکنیم، قاعدتاً همه‌ی شما عضو انجمن هستید.

### دکتر نسرين نورشاهی :

دکتر بازرگان می‌فرمایند انجمن پای کار باشد.

### دکتر مقصود فراستخواه :

از انجمن آموزش عالی نیز در این کمیته عضو باشد، اما اینکه بسپاریم به انجمن، با توجه به وضعیتی که انجمنها دارند، در هیچ حالت انجمنها نخواهند توانست، یعنی در بهترین حالت به شکل بدی اجرا خواهند کرد. بهتر است که یک نهاد تازه نفس و علمی تشکیل بشود که استادان شناخته شده تمام این ده منطقه دانشگاهی حضور پیدا کنند و از وزیر حکم بگیرند و شروع کنند و مأموریت برای اعتبارسنجی داشته باشند. اعتبارسنجی ارزیابی درونی و بیرونی مدنظر ما می‌باشد.

### دکتر عباس بازرگان :

بله باید جریان به گونه‌ای باشد همانطور که گفتند حاکم فرموده نباشد. باید ساختاری را برای این کمیته بوجود آورد که اولاً حاکم فرموده نباشد، ثانیاً گرفتار انجمن نشود که کاملاً درست است، اگر گرفتار آن بشود ایراد است.

### دکتر محمد رضا آهنجیان :

یکی از نشستهایی که وجود دارد بحث ضمانت اجرا می‌باشد، مانند یک لوگو که خودشان یک کیفیت می‌باشد. اگر مؤسس پژوهش و برنامه ریزی در روند اعتبارسنجی وارد بشود، از یک رشته‌ای که آموزش عالی می‌باشد میتوانیم شروع کنیم، بطور نمونه مسیر را پیش ببریم و سازکار اجرایی عملیاتی مانند اینکه انجمن می‌تواند یا نمی‌تواند. تا آنجا که من می‌دانم انجمن توان تخصصی دارد ولی اینکه انجمن به چه حکمی این کار را انجام می‌دهد ممکن است برایش هزینه داشته باشد و این هزینه‌ها را از دانشگاه بگیرد و یا شما بگیرد که بحث‌های اجرایی را پیش می‌آورد. بنده نگران سازوکارهای اجرایی و ضمانت اجرای آن طرف هستیم. اگر ما به آن سمت برویم، یک نشان اعتبارسنجی از یک رتبه شروع بکنیم که بعضی از ده دانشگاه روی پنج دانشگاه نشان بخورد و همانطور که دکتر فرمودند در بحث اعتباربخشی فارغ‌التحصیلان و دانش‌آموختگان زمان استخدام دانشگاه شهید بهشتی یا تهران ببینم که آیا آن شخص کنار مدرک تحصیلی خودش آن لوگو را



دارد یا خیر؟ یعنی آیا خودش شخص یا با رشته‌ی درسی و دانشگاه‌اش وارد شده‌اند یا خیر؟ و اعتبار گروه با اعتبارسنجی را بگیریم. که ضمانتنامه‌ی دولتی را نمی‌خواهد. عبارتی باید یک امتیاز حرفه‌ای را ایجاد کنیم.

### دکتر نسرین نورشاهی :

همانطور که دکتر مه‌رام گفتند برای اینکه، این حوزه را بعنوان یک حرفه و حیطة‌ی تخصصی تعریف نکردیم، یکی از ضررهایی که ما می‌بینیم به این دلیل می‌باشد که پزشکان و وکلا یا قضات برای خودشان یک حیطة‌ی حرفه‌ای ایجاد کرده‌اند. مثلاً هر کس بخواهد پزشک بشود باید تأیید نظام پزشکی را داشته باشد ولی ما همچنین چیزی را نداریم. ولی همین بحث آموزش عالی که به عنوان یک حیطة‌ی تخصصی تعریف بشود و یک حیطة‌ی حرفه‌ای بشود خودش می‌تواند از اینجا کلید بخورد و آن نکته را پوشش بدهد.

### دکتر داود حسینی نسب:

روانشناسی کشور، نظام مشاوره را در سطح کشور راه انداخته است که اینها را کنترل می‌کند. در مورد رتبه‌ی ارزیابی درونی اولین بار نیست که بیان می‌شود و کارهای زیادی در این زمینه انجام شده است. ارزیابی درونی چیزی است که دانشگاهها نیز پیگیری می‌کنند. مسؤلین ارزیابی هم این کار را می‌کنند، منتهی عده‌ای از وزارتخانه، دخالتهایی دارند، مثلاً اخیراً کسی که بخواهد ارزیابی درونی دانشگاه را راه‌اندازی کند از وزارت برایشان معرفی می‌کنند. ایده‌های دکتر فراستخواه بسیار خوب ولی وسیع می‌باشد و گسترش دارد و این نمی‌شود یعنی مرحله‌ی عملیاتی رسیدنش بسیار سخت است.

بنده فکر می‌کنم انجمن را باید با خبر کنند و یک نامه به معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت بنویسند که مؤسسه در نظر دارد کار ارزیابی درونی را در ده دانشگاه که این رشته را دارد راه‌اندازی کنند بنابراین نظارت بصورت رسمی برایتان نامه می‌نویسد که مؤسسه در نظر دارد این کار را انجام بدهد و شما همکاری کنید. و از آنها در یک جلسه نماینده‌ای دعوت بکنند. ارزیابی درونی ماهیتش این است که درونی باشد، یعنی از داخل خودجوش باشد و اینجا به عنوان کسی که راهنمایی می‌کند یک نظارت منطقی به ارزیابی درونی داشته باشد. اگر خودشان تبحر دارند که هیچ، وگرنه در یک کارگاه دوره‌های آموزشی را بگذارند. آموزش عالی، گروه آموزشی ندارد، و معمولاً زیر نظر گروه علوم تربیتی می‌باشد علوم تربیتی رشته‌های متفاوتی دارد مانند مدیریت و ...

باید گروه را در جریان بگذارند و با همکاری مؤسسه، کار را ارزیابی درونی را انجام بدهند و یک بازخورد بگیرند و ببینند که چه خبر است و چه اتفاقی افتاده است و بعد آهسته آهسته بگوئید در استخدام نقش داشته باشند. این موارد ایده آل است و انجامش در جامعه‌ی فعلی یک مقدار مقدور نیست. ما در این جا فقط می‌توانیم سرپرستی داشته باشیم که دوره‌ی دکتری، واقعاً سیستمش آموزش عالی بوده است. و دانشگاههای مختلف زمانی می‌توانند درس انتخاب کنند که دانشگاه استقلال داشته باشد. دانشگاههای ما هیچ کدام استقلال واقعی ندارند. در سیستم جامعه‌ی ما که فدرال نیست معنی ندارد که هر دانشگاه یک برنامه برای خودش در نظر بگیرد. با نتیجه‌ی این نشست شما این روند را راه بیاندازید و منعکس بفرمائید و ابتدا از ارزیابی درونی پیش بروید تا متوجه بشوید چه خبر است تا در مراحل بعد بیشتر و بیشتر پیش بروید. و به بیرون و وزارتخانه ربط بدهید، حالت امتیازگونه پیش می‌آید و مؤسسه نیز کار اصلی خود را انجام می‌دهد.



### دکتر امیر هوشنگ مهریار :

بنده صحبت‌های آقای حسینی نسبت را تأیید می‌کنم و می‌گویم اگر مؤسسه بصورت غیررسمی با وزارتخانه صحبت کند و بگوید خواسته‌اش چنین چیزی می‌باشد و حمایت شما را می‌خواهیم و انجمن را باید کمک دهیم تا به حرکت بیفتد تا انجمن با کمک شما برنامه‌هایش را انجام بدهد. اگر بدون اطلاع وزارت علوم باشد، امکان دارد که آنها مقاومت کنند که شما چکاره‌اید و چرا می‌خواهید ما را ارزیابی کنید، زیرا ارزیابی برای تمامی مؤسسات تهدید کننده می‌باشد. این وضعیتی است که مقاومت خواهند کرد.

### دکتر بهروز مهram :

بنده بسیار موافق نظرات بودم و جمع‌بندی بسیار خوبی بدست آمد و تشکر می‌کنم از تمام اساتید و دوستان.

### دکتر رضا منیعی :

پیشنهادات بسیار خوبی مطرح شد فقط انگیزه یا ضمانت اجراها چگونه باشد تا سمتی برویم که ارزیابی درونی انجام شود. بنظر بنده باید این را با پذیرش دانشجو در سالهای آتی گروه بزنیم، یعنی شرط اینکه اینها دانشجو جذب کند باید ارزیابی درونی انجام بدهند و گرنه شاید هیچ انگیزه‌ای برای انجام این کار نداشته باشند و این عمل باید از سوی وزارتخانه (قدرت ماوراء) می‌خواهد، مرکز نظارت می‌تواند اینکار را انجام بدهد.

### دکتر عباس بازرگان :

صحبتها بسیار خوب بیان شد بنده پنج قدم مشخص را بیان می‌کنم که حالات اجرایی دارند:

قدم اول مکاتبه با معاون آموزشی و مرکز نظارت وزارتخانه درباره‌ی اینکه یک پنل وجود دارد و با توجه به تمام صحبت‌ها قرار هست ما انجمن را بکار بگیریم بنابراین خواهشمند است نظر خود را در این باره بیان بفرمائید تا ما اقدام کنیم. از نظر بنده بد نیست که این نامه به سازمان سنجش هم کشیده بشود.

بعد از اینکه جواب سؤالات بالا را گرفتیم

در قدم دوم بلافاصله ارسال نامه به دانشکده‌ها یا دانشگاهها، و دعوت از آنها برای اینکه جلسه‌ای برگزار کنیم.

و قدم سوم تشکیل جلسه با حضور رئیس هیأت مدیره انجمن با خود هیأت مدیره است.

قدم چهارم برنامه‌ریزی برای ارزیابی دورنی و بیرونی به نحوی که هیأت علمی برنامه دکتری آموزش عالی مشارکت بکنند.

و در نهایت پیگیری برای اجرای این در مرحله بعد برای شش ماه.

### دکتر مقصود فراستخواه :

به امید حق که با پیگیری آقای دکتر بازرگان و خانم دکتر نورشاهی که خوشبختانه هر دو عزیز عضو شورای ارزشیابی وزارت علوم هستند نتایج و پیشنهادهای دقیق سیاستی این پنل را وارد دستور کار سیاستگذاری بکنند و نشستند و گفتند و برخاستند نشود.



## دکتر عباس بازرگان :

بسیار پیشنهاد زیبایی مطرح نمودید ولی اگر شرایط فراهم شده معاونت محترم تثبیت شد اگر معاونت مرکز ارزیابی تأیید شد ما هستیم، تمام دوستان باید همت کنیم، فعلاً که ۸ نفر بعنوان صاحب نظر در هیأت ارزیابی رشته‌ی آموزش عالی داریم که در این جلسه حضور پیدا کرده‌اند. شما در فرصت آینده همین هیأت را دعوت کنید .

فایلهای پی دی اف گزارش پنل های بیست گانه میز آینده پژوهی در سایت موسسه فهرست پنل ها برگزار شده میز آینده پژوهی آموزش عالی که از سایت میز با نشانی زیر به طور کامل قابل دریافت است.

محققان و منتقدان و متفکران در این عرصه لطفاً با ملاحظات و نقدهای خود به بهبود عملکرد این میز و مباحث آن یاری کنند

[https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc\\_lang=fa&slct\\_pg\\_id=695](https://irphe.ac.ir/index.php?sid=34&slc_lang=fa&slct_pg_id=695)

- پنل افتتاحیه میز آینده پژوهی آموزش عالی ایران - مرداد ۱۳۹۳
- پنل دوم: ویژه برنامه ششم توسعه - شهریور ۱۳۹۳
- پنل سوم: سناریو نویسی و تنظیم راهبردها - مهرماه ۱۳۹۳
- پنل چهارم: آینده بین المللی شدن آموزش عالی در جهان- آبان ۱۳۹۳
- پنل پنجم: جهان متحول، دانشگاه ایرانی و آینده یادهی - یادگیری - آذر ۱۳۹۳
- پنل ششم: آینده منابع مالی آموزش عالی - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هفتم: آینده گسترش آموزش عالی در ایران - بهمن ۱۳۹۳
- پنل هشتم: آینده ارزشیابی کیفیت آموزش عالی در ایران - خرداد ۱۳۹۴
- پنل نهم: جذب دانشجو در آموزش عالی غیر انتفاعی - آبان ۱۳۹۴
- پنل یازدهم: تأملی درباره شاخص‌های کمی و کیفی روند علم در ایران؛ برای درکی بهتر از آینده آن - بهمن ۱۳۹۴
- پنل دوازدهم: ضرورت تمرکززدایی و آینده حکمروایی خوب در آموزش عالی با تأکید بر ظرفیت‌های خودتنظیمی مناطق در کشور و آمایش منطقه‌ای سرزمین - خرداد ۱۳۹۵
- پنل سیزدهم: شبکه منطقه‌ای دانشگاه‌ها در کشور، ضرورت تفویض اختیار ساختاری به مناطق دانشگاهی و ارتقای سطح خود تنظیمی مناطق و استقلال دانشگاهی - تیر ماه ۱۳۹۵
- پنل چهاردهم: آینده برنامه ملی ایران برای یادگیری مداوم - آذر ۱۳۹۵
- پنل پانزدهم: آینده‌اندیشی سیاست‌های بومی‌گزینی در پذیرش دانشجو و پیامدهای آن - اسفند ۱۳۹۵
- پنل شانزدهم: آینده دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی ایران در رقابتهای جهانی چه می شود - بهار ۱۳۹۶
- پنل هفدهم: محافظت از آینده علوم محض، پایه، بنیادی و الزامات سیاستگذاری آن - تابستان ۱۳۹۶
- پنل هیجدهم: آینده کلاس درس دانشگاهی ما - پاییز ۱۳۹۶
- پنل نوزدهم: بررسی وضع موجود و مطلوب و آینده‌اندیشی درباره وضعیت دوره‌های دکتری آموزش عالی - پاییز ۱۳۹۶